

# نجف اشرف در دوران پنهانی قبر امیر مؤمنان علیه السلام

محمدباقر پورامینی

## چکیده

وقتی امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه به شهادت رسید، دشمنان زخم خورده در اندیشه اهانت به ساحت مقدس ایشان بودند. طرفداران امویان و بازماندگان خوارج نهروان دو تهدید جدی به شمار می‌رفتند که جسارت آنان به محل خاکسپاری حضرت، واکنش سخت دوستداران امیر مؤمنان علیه السلام را در پی می‌داشت و به درگیری می‌انجامید. از این رو توصیه به مخفی بودن قبر، از جانب خود امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام بوده است. البته این مخفی بودن مقطعی، و نه همیشگی و تا از بین رفتن خطر اهانت دشمنان بود. در این مدت سه امام شیعه بارها به زیارت مولی‌الموحدین در نجف اشرف می‌رفتند و با عنایت به اینکه نایبستی این مکان شریف همیشه مخفی می‌ماند، برخی از یاران خویش را همراه می‌بردند و حتی به آنان اجازه می‌دادند که سایر دوستانشان را از محل دفن امام آگاه کنند تا از برکات و آثار فراوان زیارت حضرت بهره‌مند شوند. می‌توان ادعان داشت که بیشترین معارف ما در باب زیارت امیر مؤمنان علیه السلام از همین دوره به یادگار مانده است.

واژگان کلیدی: نجف، زیارت، امیر مؤمنان علیه السلام، مخفی بودن قبر.

## بیان مسئله

قبر نورانی امیر مؤمنان علیه السلام، به دستور آن حضرت، بیش از یک قرن مخفی بود. آشنایی با علت مخفی بودن مقطعی مزار که جلوهای از مظلومیت امام است و همچنین تلاش ائمه اطهار علیهم السلام برای زیارت مکرر آن محل و نشان دادن آن به معدودی از یاران خود، محورهای اصلی این نوشتار است تا تصویری دقیق از دوران مخفی بودن مزار آن حضرت ارائه دهد.

## پیشینه نجف

نجف در لغت به معنای بلندی است و این سرزمین به سبب بلندی، همچون پشته‌ای است که آب از پیرامون آن دور شود و هنگام جاری شدن سیل، آب گرداگرد آن را می‌گیرد، اما از آن عبور نمی‌کند. یاقوت حموی مدعی است این ویژگی نجف مانع حرکت سیل به سمت کوفه و مقابر آن می‌شد (یاقوت حموی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۷۱).

به نجف، غری و غریین، یعنی زیبارو یا بنای زیبا گفته می‌شد که به دلیل وجود دو بنای قدیمی در آن اشارت داشت (همان، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۹۷). در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که «غری»، بخشی از کوهی است که مسکن انبیای بزرگی الهی بوده است و خداوند در آنجا ابراهیم علیه السلام را خلیل ساخت، با حضرت موسی علیه السلام سخن گفت و عیسی علیه السلام را به قداست برگزید (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۳۵۸). امیر مؤمنان علیه السلام بدین سرزمین نگاهی کرد و فرمود:

«مَا أَحْسَنَ ظَهْرِكَ وَأَطْيَبَ فَعْرِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَبْرِي بِهَا» (ابن طاووس، ۱۳۶۸، ص ۳۱ و ۳۲)؛

«چقدر سیمای تو نیکوست و چقدر درونت خوش‌بوست. بارالها قبر مرا در اینجا قرار ده».

## علت پنهان شدن قبر امیر مؤمنان علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام، پس از مجروح شدن در محراب مسجد کوفه در سحرگاه نوزدهم رمضان سال چهل هجری، برای مخفی کردن محل دفن خود از دشمنان، به

امام حسن علیه السلام توصیه کرد که در چهار نقطه مختلف، از جمله همین مکان، قبر حفر کند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَمَرَ ابْنَهُ الْحَسَنَ أَنْ يَحْفَرَ لَهُ أَرْبَعَةَ قُبُورٍ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ فِي الْمَسْجِدِ وَفِي الْغُرِيِّ وَفِي دَارِ جَعْدَةَ بْنِ هُبَيْرَةَ وَفِي الرَّحْبَةِ وَإِنَّمَا أَرَادَ بِهَذَا أَنْ لَا يَعْلَمَ أَحَدٌ مِنْ أَعْدَائِهِ مَوْضِعَ قَبْرِهِ (ابن طاووس، ۱۳۶۸، ص ۳۲).

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت امام حسن علیه السلام وصیت کرد که در چهار موضع برای آن حضرت قبر بکند: در مسجد، در رحبه کوفه، در غری و در خانه جعدۀ بن هبیره، و غرض آن حضرت این بود که دشمنانش به موضع قبر او آگاه نشوند. جعدۀ بن هبیره المخزومی که در دلاوری زبان زد بود، فرزند ام هانی و خواهرزاده امیر مؤمنان علیه السلام است (کشی، ۱۳۴۸ ش، ص ۶۳). او در کوفه اقامت داشت و امام بعد از جنگ جمل مدتی در خانه وی اقامت گزید (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ ق، ص ۵). از این رو بود که حضرت خانه او را انتخاب کرد.

ابن طاووس در تبیین این حدیث معتقد است امیر مؤمنان علیه السلام سخن را مخفی کرد و اگر از آغاز این سخن ظاهر می شد، دشمنان برای یافتن قبر جست و جو می کردند (ابن طاووس، ۱۳۶۸ ق، ص ۳۲).

پنهان ساختن محل دفن امام به دلیل وجود دو خطر اساسی بود: خوارج نهروان و امویان. ابن طاووس به تهدید این دو گروه چنین اشاره می کند: ممکن بود آنان اراده نبش قبر کنند و بنی هاشم نیز در برابر این اهانت، واکنش نشان دهند و درگیری به وجود آید (همان، ۱۳۶۸ ق، ص ۲۵). بلاذری نیز خطر خوارج و احتمال نبش قبر از سوی آنان را علت پنهان ساختن مرقد امیر مؤمنان علیه السلام می داند (بلاذری، ۱۳۹۴ ق، ج ۲، ص ۴۹۷).

خطر هتاکی مزدوران بنی امیه جدی تر بود. ابن ابی الحدید می گوید:

فرزندان علی علیه السلام قبر امام را به دلیل ترس از اقدامات هتاکانه بنی امیه، مخفی ساختند؛ زمانی که پیکر آن حضرت شبانه از کوفه بیرون برده شد، مردم از مقصد

خبری نداشتند. برخی فکر می‌کردند که پیکر راهی مدینه می‌شود تا در جوار قبر فاطمه زهرا علیها السلام به خاک سپرده شود. در نقاط مختلف کوفه و اطراف آن نیز قبرهای متعددی آماده شده بود؛ اما در نهایت پیکر امام در سحرگاه ۲۱ رمضان در نجف به خاک سپرده شد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۸۲).

امام حسین علیه السلام ضمن اشاره به انتقال شبانه پیکر مطهر پدر، از دفن آن در ناحیه غری یاد می‌کند (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۳۹). بنا بر نقل امام باقر علیه السلام، پیکر مطهر حضرت، قبل از طلوع فجر به دست امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، محمد حنفیه و عبدالله بن جعفر به خاک سپرده شد و قبر او مخفی ماند (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق، ص ۵۱ و ۵۲).

شیخ مفید از سخن یکی از غلامان امیر مؤمنان علیه السلام یاد می‌کند که گفته است:

امام به حسن و حسین علیهما السلام فرموده بود: آن‌گاه که من از دنیا رفتم، مرا بر تابوتی حمل کنید و از خانه بیرون ببرید و شما دنبال تابوت را بگیرید؛ زیرا جلوی آن برداشته شود، و رنج برداشتن جلوی آن را از گردن شما کفایت کنند. سپس جنازه مرا به غریبن ببرید. در آنجا سنگ سفید درخشانی خواهید دید. همان جا را حفر کنید و در آنجا لوحی می‌بینید. پس مرا در همان مکان به خاک بسپارید.

او در ادامه می‌گوید:

همین که آن حضرت از دنیا رفت، جنازه‌اش را برداشتیم و از خانه بیرون بردیم. ما دنبال تابوت را گرفته بودیم و جلوی آن خود برداشته شده بود، تا به غریبن رسیدیم. در آنجا سنگ سفیدی دیدیم که می‌درخشید. وقتی آنجا را کندیم، لوحی دیدیم که بر آن نوشته بود: «این جایی است که نوح برای علی بن ابی‌طالب علیه السلام ذخیره کرده است». پس ما آن حضرت را در آن مکان دفن کردیم و برگشتیم. و از این اکرام خداوند در مورد امیرالمؤمنین خرسند بودیم. این ماجرا را برای جمعی از شیعیان که به نماز بر جنازه آن حضرت نرسیده بودند، بازگو کردیم و آنها گفتند: «ما هم دوست داریم آنچه را شما درباره آن بزرگوار دیده‌اید، به چشم خود ببینیم». به آنها گفتیم: «طبق سفارش و وصیت خود آن حضرت، جای

قبر پنهان است». اما آنها بدون توجه به این سخن، بدان سو رفتند و بازگشتند و

گفتند: «ما آنجا را کندیم و چیزی نیافتیم!» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳ و ۲۴).

گویا با استمرار حاکمیت امویان، تهدید بی‌احترامی به مزار امیر مؤمنان علیه السلام همچنان باقی بود و آنان مزدورانی را برای یافتن مدفن امام اجیر کرده بودند. مأموران حجاج بن یوسف ثقفی، محلی را در کنار مسجد کوفه حفر کردند و پیرمردی سپیدموی را یافتند و به حجاج گزارش دادند که پیکر علی بن ابی طالب علیه السلام را در فلان جا یافته‌اند. حجاج به ایشان پیغام داد: «دروغ می‌گویید، آن میت را به قبرش بازگردانید؛ چون حسن بن علی پیکر پدرش را به سوی مدینه برده است». ابن طاووس با نقل این گزارش، ضمن ناصواب دانستن قول حجاج و تأکید بر جایز نبودن نبش قبر بعد از دفن، به خبث نیت و زشتی عمل امویان اشاره کرده و گفته است که این خبر را نقل کردیم تا معلوم شود که ایشان چه مقدار از قبر آن حضرت تفحص می‌کردند و اگر در خاطر حجاج ترجیح می‌یافت که آن شخصی که از قبر بیرون آورده‌اند، حضرت امیرالمؤمنین است، پاداش بزرگی به آنان می‌داد؛ ولیکن آنچه او گفته است، اعتباری ندارد (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق، ص ۲۰ و ۲۱).

### حضور سه امام در نجف

برخی از ائمه معصومین علیهم السلام در دوران مخفی بودن قبر امیر مؤمنان علیه السلام به زیارت آن می‌رفتند. امام سجّاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام از زائران مرقد حضرت علی علیه السلام هستند.

#### ۱. زیارت امام سجّاد علیه السلام

روزی ابوحمزه ثمالی، که به سلمان زمان خود مشهور بود (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۵) و از جمله زهاد و عبّاد و مشایخ اهل کوفه به شمار می‌رفت، در مسجد کوفه به دیدار امام سجّاد علیه السلام شتافت. امام از او پرسید: «آیا می‌خواهی زیارت جدّم علی بن ابی طالب را با من به جا آوری؟» او می‌گوید:

پاسخ مثبت دادم و آن‌گاه در رکاب حضرت به غری و زمین سفیدی که می‌درخشید،

رسیدیم و امام از شتر پیاده شدند و دو طرف روی مبارک خود را بر آن زمین  
سودند و فرمودند: «يَا أَبَا حَمْرَةَ هَذَا قَبْرُ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام»؛ «ای  
اباحمره، این قبر جدم علی بن ابی طالب است». بعد از آن به زیارت مشغول  
شدند (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق، ص ۴۶ و ۴۷).

## ۲. زیارت امام باقر عليه السلام

ابن ابی قرّة القنّانی از سفر زیارتی امام باقر عليه السلام به نجف یاد کرده و سید عبدالکریم  
بن طاووس این نکته را از کتاب لُبَابِ الْمَسْرَةِ سیدرضی الدین بن طاووس - که تلخیص  
کتاب المزار ابن ابی قره است - گزارش می کند (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق، ص ۵۱). آقابزرگ  
تهرانی، از کتاب المزار الفرج محمد بن علی بن ابی قره یاد کرده و او را از مشایخ  
نجاشی می شمارد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۲۱). نجاشی نیز درباره ابن ابی قره  
مدعی است که او بسیار حدیث شنید و بسیار حدیث نوشت و در مجالس حدیثی با  
وی همراهی داشته است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۹۹).

همچنین ابان بن تغلب از امام باقر عليه السلام چنین روایت می کند که پدرم برای زیارت  
امیر مؤمنان عليه السلام و حسین بن علی عليه السلام به عراق می رفت و کسی بر این سفر آگاه نمی شد.  
امام می فرمود:

در سفری همراه آن حضرت بودم و هیچ کس همراهان نبود. چون آن حضرت به  
نجف کوفه رسیدند، در موضعی ایستادند و آن قدر گریستند که محاسن مبارکشان  
به آب دیده ایشان تر شد و آن گاه زیارت خواندند (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق، ص ۴۴).

## ۳. زیارت امام صادق عليه السلام

امام صادق عليه السلام بارها به زیارت امیر مؤمنان عليه السلام در نجف رفتند. از جمله وقتی امام  
در حیره (شهری در نزدیکی نجف) مستقر شدند، به زیارت جدشان می رفتند. به گفته  
عمر بن یزید، وقتی که امام جعفر صادق عليه السلام در حیره بودند، مکرر در خدمت آن  
حضرت برای زیارت امیر مؤمنان عليه السلام به غری آمدیم (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق، ص ۶۳). همچنین

اسحاق بن جریر بجلی، حدیثی را از امام علیه السلام نقل می کند که فرمود:

إِنِّي لَمَّا كُنْتُ بِالْحِجْرَةِ عِنْدَ أَبِي الْعَبَّاسِ كُنْتُ آتِي قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام لَيْلًا وَهُوَ  
بِنَاحِيَةِ النَّجْفِ إِلَى جَانِبِ الْعَرِيِّ النَّعْمَانِ فَأَصَلِّيَ عِنْدَهُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَأَنْصَرَفْتُ قَبْلَ  
الْفَجْرِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ق، ص ۳۷).

هنگامی که در حیره نزد ابوالعباس بودم، شبها به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می رفتم. قبر آن حضرت در ناحیه نجف به جانب غری النعمان است. نماز شب را نزد قبر می خواندم و پیش از طلوع فجر از آنجا بر می گشتم.

امام صادق علیه السلام در برخی از زیارت های خویش، افراد مورد اعتماد را نیز با خود همراه می ساخت. یزید بن عمر بن طلحه، ابان بن تغلب، ابوالفرج السندی، مبارک الخباز، معلی بن خنیس، عبدالله بن طلحه النهدی و صفوان بن مهران، چهره هایی هستند که هر یک جداگانه، امام را در این زیارت همراهی کرده اند (ابن طاووس، ۱۳۶۸، ص ۵۵-۶۹).

یزید بن عمر بن طلحه روایت می کند:

زمانی که امام صادق علیه السلام در حیره بودند، تحقق وعده زیارت امیر مؤمنان علیه السلام را که پیش تر پیشنهاد فرموده بود، مزده داد و همراه امام و فرزندش اسماعیل حرکت کردیم و آن گاه امام، بین حیره و نجف، جنب ریگ های سفید و روشن آنجا پیاده شد و اسماعیل نیز از مرکب به زیر آمد و من هم از مرکب پایین آمدم. حضرت نماز گزارد و اسماعیل نیز با آن حضرت نماز خواند و من هم نماز خواندم. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ق، ص ۳۴).

ابان بن تغلب، که نزد ائمه اطهار علیهم السلام جایگاه ممتازی داشت (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۰)، با حضرت ابی عبدالله علیه السلام همراه شد. امام در نجف، که بدان ظهر کوفه می گفتند، از مرکب پیاده شد، دو رکعت نماز خواند و فرمود: «هَذَا مَوْضِعُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۵۷۲)؛ «اینجا قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است».

صفوان بن مهران جمال، که از خواص و ملازمان امام صادق علیه السلام بود (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۶)، می گوید:

با امام از سرزمین قادسیه به سمت نجف حرکت کردیم تا به غری رسیدیم. امام بالای قبری توقف فرمود و سپس به یک یک انبیا سلام داد و از حضرت آدم علیه السلام آغاز کرد و نام هر کدام را جداگانه می برد و به آنها سلام می داد و من نیز به متابعت از آن حضرت، به هر یک از انبیا سلام می دادم تا نوبت به سلام بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله رسید. ایشان پس از سلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت مبارک را بر قبر مطهر نهاد و بر صاحب قبر سلام کرد و پس از آن صدا به گریه بلند نمود و بعد از آن ایستاده و چهار رکعت نماز خواند و من نیز با آن حضرت نماز گزاردم و پس از پایان نماز، از محضر مبارک امام پرسیدم: «ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله این قبر کیست؟» حضرت فرمود: «این قبر جدم، علی بن ابی طالب علیه السلام است» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۳۵).

### نشانی از مرقد و آگاهی برخی از شیعیان از آن

ائمه اطهار علیهم السلام بعضی از شیعیان خالص را به محل قبر حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام آگاه می کردند و گاه این گروه آشنا به قبر امام نیز، به صورت مخفی، برخی از دستداران اهل بیت علیهم السلام را برای زیارت به نجف می بردند. عبدالله بن سنان می گوید: «عمرو بن یزید، من و حفص کناسی را به غری برد و قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را نشانمان داد» (همان، ۱۳۶۸ق، ص ۶۳). گویا از قبر امیر مؤمنان علیه السلام نشانی معین وجود داشت که همگان از آن آگاه نبودند. صفوان می گوید: «وقتی امام صادق علیه السلام از مرکب پیاده شد، در موضعی مشخص، خاک را کنار زد و پاره ای آهن منقش از آنجا بیرون آورد که علامت قبر آن حضرت بود» (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق، ص ۶۹).

گفتنی است واقف کردن برخی از شیعیان به محل قبر امیر مؤمنان علیه السلام به اذن ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. صفوان جمال که در زیارت امیر مؤمنان علیه السلام همراه امام صادق علیه السلام بود از حضرت



پرسید: «آقای من، آیا اجازه می‌دهید که دوستان کوفی خودمان را از این محل آگاه کنم؟» امام اجازه فرمود و مبلغی را نیز برای اصلاح و تعمیر قبر به صفوان داد (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق، ص ۹۵). پس از این زیارت، سیف بن عمیره نخعی و جمعی از دوستان، همراه صفوان به غری رفتند و مرقد امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت کردند (همان، ۱۳۶۸ق، ص ۹۷).

گاه برخی از یاران امام صادق علیه السلام، نزد امام می‌رفتند و از مکان مرقد امیر مؤمنان علیه السلام می‌پرسیدند و حضرت نیز آنان را راهنمایی می‌فرمود. صفوان بن مهران درباره مکان قبر امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت صادق علیه السلام پرسید و امام وصف آن مکان را برایش بیان کرد و فرمود: «موضعی است که ریگ‌ها به روی هم انباشته شده و پشته‌ای ساخته‌اند». صفوان به آن مکان رفت و زیارت کرد و نماز خواند و سپس به محضر مبارک امام بازگشت و زیارت خود را به ایشان اطلاع داد. امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «عمل صحیحی انجام دادی» (همان، ۱۳۶۸ق، ص ۳۷).

عامر بن عبدالله بن جذاعة از ددی در محضر امام صادق علیه السلام از مرقد امیر مؤمنان علیه السلام جويا شد. امام نیز در پاسخ فرمود:

إِنَّهُ لَمَّا مَاتَ حَمَلَهُ الْحَسَنُ علیه السلام فَأَتَى بِهِ ظَهَرَ الْكُوفَةِ قَرِيبًا مِنَ النَّجْفِ يَسْرَةً عَنِ الْغُرِيِّ  
يُمْنَةً عَنِ الْحِيرَةِ فَدُفِنَ بَيْنَ ذَكَوَاتٍ بَيْضٍ.

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام از دنیا رفت، امام حسن علیه السلام ایشان را به پشت کوفه در مکانی که نزدیک نجف و در چپ غری و راست حیره بود، انتقال داد و سپس آن حضرت را بین ریگ‌های سفید و روشن دفن کرد.

عامر می‌گوید:

به مکانی رفته و پنداشتم آن مکان مدفن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و سپس که به محضر امام صادق علیه السلام بار یافتم، از پندار خود به آن جناب خبر دادم و از صحت آن جويا شدم. حضرت سه مرتبه فرمودند: «خداوند تو را رحمت کند، به صواب رفتی». (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۳۳).

## آشناسازی هم‌جواران امیر مؤمنان علیه السلام

دو نقطه مهم و درخور توجه در جوار قبر امیر مؤمنان علیه السلام وجود دارد که پیشوایان معصوم در مقطع مخفی بودن مزار، به آن راهنمایی می‌کردند:

### ۱. قبر حضرت آدم علیه السلام و نوح علیه السلام

در کلام امام باقر علیه السلام به همجواری قبر امیر مؤمنان علیه السلام با حضرت نوح علیه السلام اشاره شده است (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق، ص ۵۰). امام صادق علیه السلام افزون بر نوح علیه السلام از حضرت آدم علیه السلام نیز یاد کرده و به این نکته اشاره فرموده است که نوح پیامبر علیه السلام پیکر او را از مکه به غری آورد و در آنجا به خاک سپرد (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۳۸). امام به مفضل بن عمر فرمود:

فَإِذَا أَرَدْتَ جَانِبَ النَّجْفِ فُزْزِ عِظَامَ آدَمَ وَ بَدَنَ نُوحٍ وَ جِسْمَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فَإِنَّكَ زَائِرُ الْأَبَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيًّا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ فَإِنَّ زَائِرَهُ تُفْتَحُ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ عِنْدَ دَعْوَتِهِ فَلَا تَكُنْ عَنِ الْخَيْرِ نَوَامًا (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۳).

هرگاه راهی نجف شدی، پس پیکر آدم، نوح و علی بن ابی‌طالب علیه السلام را زیارت کن که همانا تو زائر پدران پیشینیان، محمد، خاتم‌النبیین صلی الله علیه و آله و علی، سید‌الوصیین علیه السلام هستی. هنگام زیارت و دعا درهای آسمان برای زائر امام گشوده می‌شود. بنابراین از این خیر عظیم غافل مباش.

### ۲. محل استقرار سر امام حسین علیه السلام:

سر مبارک و خونین امام حسین علیه السلام مدتی در جوار مرقد امیر مؤمنان علیه السلام بوده است. یزید بن عمر که در سفری همراه امام صادق علیه السلام، توفیق زیارت قبر امیر مؤمنان علیه السلام را به دست آورد، می‌گوید: پس از زیارت، امام به فرزندش اسماعیل فرمود: «بایست و بر جدت، حسین بن علی علیه السلام، سلام ده». من عرض کردم: «فدایت شوم، آیا حضرت حسین علیه السلام در کربلا نیستند؟» فرمودند:

نَعَمْ وَ لَكِنْ لَمَّا حُمِلَ رَأْسُهُ إِلَى الشَّامِ سَرَفَهُ مَوْلَى لَنَا فَدَفَنَهُ بِجَنْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۳۴).

بلی، ولی هنگامی که سر مطهر آن حضرت را به شام می‌بردند، یکی از دوستان ما آن را ربود و در جنب امیرالمؤمنین علیه السلام دفن کرد.

یونس بن ظبیان، که برخی او را ثقه می‌دانند (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۲۰۸)، همراه امام صادق علیه السلام به نجف رفته بود. او از امام چنین نقل می‌کند:

سر امام حسین علیه السلام از شام به کوفه بازگردانده شد و عبیدالله بن زیاد ملعون از وجود سر مبارک حضرت در شهر هراسان بود و دستور داد آن را بیرون برند و بدین ترتیب خداوند متعال سر مبارک آن جناب را نزد امیرالمؤمنین علیه السلام قرار داد و سپس سر به جسد ملحق شد و بدن با سر متصل گردید (فَالرَّأْسُ مَعَ الْجَسَدِ وَالْجَسَدُ مَعَ الرَّأْسِ) (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۳۷).

#### آشکار شدن مرقد امیر مؤمنان علیه السلام

مخفی بودن قبر امیر مؤمنان علیه السلام، تا زمان هارون الرشید ادامه داشت و در آن زمان، محل قبر آن حضرت آشکار شد. به گفته عبدالله حازم، روزی هارون الرشید برای شکار از کوفه خارج شد و به منطقه غریین رسید. در آنجا چند آهو دید و بازها و سگ‌ها را به طرف آنها فرستاد. ساعتی طول کشید اما در نهایت، آهوها به یک بلندی پناه بردند و بازها و سگ‌های شکاری بازگشتند. این ماجرا سه مرتبه تکرار شد و تعجب هارون را برانگیخت. از این رو او دستور داد یکی از افراد محلی را بیابند و درباره راز این مکان پرس و جو کنند. پیرمردی از قبیله بنی‌اسد را حاضر کردند و هارون درباره آن مکان از او پرسید. پیرمرد نیز نخست امان خواست و سپس چنین گفت: «پدرم از پدرانش نقل می‌کرده که در زیر این پشته، مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دارد و آن را خدای متعال حرم امن خود قرار داده است. از این رو هر کس به آنجا پناهنده شود، از هر آسیب و گزند در امان است». هارون با شنیدن این حقیقت، از مرکب پیاده شد، وضویی ساخت و در کنار مرقد امام نماز گزارد و آن‌گاه بازگشت (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۶). با پراکنده شدن خوارج و سقوط بنی‌امیه خطر اهانت به مزار امیر مؤمنان علیه السلام منتفی

بود و هارون عباسی خود را در قامت دوستدار و علاقه‌مند به امام و مرقد او نشان می‌داد. لذا از آن تاریخ، ساخت بارگاه بر مزار امیر مؤمنان علیه السلام، آغاز شد.

### نتیجه‌گیری

مخفی بودن مقطعی مرقد امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز سندی برای مظلومیت آن حضرت است. ائمه علیهم السلام بر اهمیت و فضیلت زیارت امیر مؤمنان علیه السلام اصرار داشتند و حتی در دوران مخفی بودن مقطعی مرقد حضرت، با آمد و شد به آن محل نورانی و همراه بردن برخی از یاران خاص خود، و همچنین اجازه دادن برای آگاه کردن برخی شیعیان از محل مزار امام، بر بهره‌مندی دوستداران اهل بیت علیهم السلام از برکات فراوان زیارت علی بن ابی طالب علیه السلام تأکید می‌کردند؛ به گونه‌ای که می‌توان اذعان داشت که بیشترین معارف ما در باب زیارت امیر مؤمنان علیه السلام از همین دوره و از آن سه امام به یادگار مانده است. ابوالغنائم محمد بن علی (م. ۱۰۵ق) اذعان دارد که سیصد نفر از صحابه در کوفه فوت کرده‌اند که قبر کسی از آنان مشخص نیست، مگر مرقد امیر مؤمنان علیه السلام؛ یعنی همین قبری که مردم آن را زیارت می‌کنند. او همچنین به نقش محمد بن علی الباقر و جعفر بن محمد الصادق علیهم السلام اشاره دارد. آنان در زمانی به زیارت مرقد شریف آن حضرت می‌رفتند که هنوز قبر معروفی نداشت (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۲۳).

## فهرست منابع

✽ قرآن کریم .

۱. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۴۰۵ق)، الذريعة الى تصانيف الشيعة، قم، اسماعيليان.
۲. ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة، قم، مكتبة المرعشى.
۳. ابن طاووس، سيد عبد الكريم (۱۳۶۸ق)، فرحة الغرى بصرحة القرى، نجف، حيدريه.
۴. ابن قولويه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ق)، كامل الزيارات، نجف، مرتضوى.
۵. بلاذرى، احمد بن يحيى (۱۳۹۴ق)، انساب الأشراف، تحقيق محمد باقر محمودى، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
۶. حر عاملى، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشيعة، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۷. خوئى، سيد ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحديث، بى جا.
۸. طوسى، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، تهذيب الاحكام، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
۹. كشى، محمد بن عمر (۱۳۴۸ش)، رجال الكشى، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
۱۰. كلينى، محمد بن يعقوب (۱۳۶۵ق)، الكافى، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
۱۱. مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الارشاد، قم، كنگره شيخ مفيد.
۱۲. نجاشى، احمد بن على (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه.
۱۳. نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق)، وقعة صفين، قم، مكتبة المرعشى.
۱۴. ياقوت حموى، ياقوت بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، معجم البلدان، بيروت، دار بيروت.